

جزء بیست و هفتم

این جزء از آیه 31 سوره ذاریات آغاز و تا آیه
29 سوره حدید ادامه دارد.

در این جز سوره ذاریات، طور، نجم، قمر، الرحمن،
واقعه، حدید قرار دارد.

ahlolbait.com

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

[ابراهیم] گفت: ای فرستادگان! دنبال چه کار مهمی هستید؟ (۳۱)

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿۳۲﴾

گفتند: ما را به سوی مردمی گنهگار فرستاده‌اند؛ (۳۲)

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ ﴿۳۳﴾

تا [بارانی] از گِلِ سنگ بر آنان بفرستیم؛ (۳۳)

مُسَوِّمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿۳۴﴾

[سنگی که] نزد پروردگارت برای تجاوزکاران نشانه گذاری

شده است؛ (۳۴)

فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٥﴾

پس هر که را از مؤمنان در آن شهر بود [پیش از آمدن عذاب]

بیرون بردیم؛ (۳۵)

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٦﴾

در آنجا جز یک خانه از مسلمانان [که اهلش مطیع خدا

بودند، نیافتیم.] (۳۶)

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٣٧﴾

در آنجا [پس از زیر و رو شدن شهر و هلاکت مردم] نشانه و عبرتی [از قدرت، غضب خود و محکومیت مجرمان] برای کسانی که از عذاب دردناک می ترسند به جا گذاشتیم. (۳۷)

وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ
مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾

و [نیز] در [سرگذشت] موسی، چون او را با دلیلی روشن به
سوی فرعون فرستادیم [عبرتی است]. (۳۸)

فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٣٩﴾

پس فرعون با سپاهیانش روی [از حق] گرداندند و گفت:

[این مرد] یا جادوگر است یا دیوانه! (۳۹)

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿٤٠﴾

در نتیجه او و سپاهیانش را گرفتیم و به دریا افکندیم، در حالی که

[به سبب لجبازی و دشمنی] مستحق سرزنش بود. (۴۰)

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ﴿٤١﴾

و [نیز] در [سرگذشت قوم] عاد هنگامی که بر آنان باد

هلاک کننده‌ای فرستادیم [عبرتی است.] (۴۱)

مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ﴿٤٢﴾

[آن باد] هیچ چیزی را که بر آن می‌وزید، رها نمی‌کرد مگر

آنکه آن را به صورت استخوان پوسیده‌ای می‌ساخت. (۴۲)

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾

و [نیز] در قوم ثمود [عبرتی است] هنگامی که [پس از پی کردن
ناقه] به آنان گفته شد: زمانی کوتاه [که بیش از سه روز نیست، از
زندگی] برخوردار باشید [که عذاب خواهد رسید.] (۴۳)

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ
يَنْظُرُونَ ﴿٤٤﴾

ولی [آنان در آن سه روز هم که مهلت داشتند باز] از فرمان
پروردگارشان سرپیچی کردند، پس صاعقه مرگبار آنان را فراگرفت
در حالی که آنان با ترس و حیرت به آن می‌نگریستند. (۴۴)

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُتَّصِرِينَ ﴿٤٥﴾

پس [با آمدن عذاب و به سبب اینکه هیچ مهلتی نیافتند] نه قدرت
برخاستن از جای خود را داشتند و نه دادخواهی کردند. (۴۵)

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّنْ قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٤٦﴾

و قوم نوح را پیش از این [هلاک کردیم]؛ زیرا آنان همواره

مردمی نافرمان بودند. (۴۶)

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾

و آسمان را به قدرت و نیرو بنا کردیم و ما [همواره] وسعت

دهنده ایم. (۴۷)

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ﴿٤٨﴾

و زمین را گسترده‌یم و چه نیکو گستراننده‌ای هستیم. (۴۸)

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٤٩﴾

واز هر چیزی جفت آفریدیم باشد که متذکر [این حقایق که
نشانه‌هایی بر قدرت، حکمت و ربوبیت خداست] شوید. (۴۹)

فَإِن رَّوَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ^ط إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾

پس به سوی خدا بگریزید [که] بی تردید من از سوی او بیم

دهنده‌ای روشنگرم. (۵۰)

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۖ إِنَّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ
مُبِينٌ ﴿٥١﴾

و با خدا معبودی دیگر قرار ندهید، یقیناً من از سوی او بیم
دهنده‌ای آشکارم. (۵۱)

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ
أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٥٢﴾

همچنین هیچ پیامبری بر کسانی که پیش از اینان بودند
نیامد مگر اینکه گفتند: جادوگر یا دیوانه است! (۵۲)

أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿۵۳﴾

آیا [این اقوام] یکدیگر را به این گونه داوری [ناحق درباره پیامبرشان] سفارش کرده بودند؟! [نه] بلکه همه آنان گروهی یاغی و سرکش بودند [و این یاوه گویی‌ها، محصول سرکشی و یاغی‌گری آنان بود.] (۵۳)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ ﴿٥٤﴾

بنابراین از این سبک مغزان باطل گو، روی برگردان [که تو
اتمام حجت کردی] و شایسته سرزنش نیستی؛ (۵۴)

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يُنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۵۵﴾

و پند ده؛ زیرا پند به مؤمنان سود می دهد؛ (۵۵)

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾

و جن و انس را جز برای اینکه مرا پرستند نیافریدیم؛ (۵۶)

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونِ ﴿٥٧﴾

از آنان هیچ رزقی نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم که مرا طعام

دهند. (۵۷)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿٥٨﴾

بی تردید خدا خود روزی دهنده و صاحب قدرت استوار

است. (۵۸)

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا
يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥٩﴾

پس برای کسانی [از قوم تو] که ستم ورزیدند، سهمی از عذاب
است مانند سهم هم مسلکانشان [از امت‌های پیشین]، بنابراین
شتاب در آمدن آن را نخواهند. (۵۹)

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٦٠﴾

پس وای بر کسانی که کافر شدند از آن روزشان که به آن

وعده داده می شوند. (۶۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالتُّورِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به [کوه] طور، (۱)

وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ ﴿۲﴾

و به کتابی که نوشته شده، (۲)

فِي رَقِّ مَنَشُورٍ ﴿۳﴾

در صفحه‌ای باز و گسترده، (۳)

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾

و به آن خانه آباد، (۴)

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ﴿۵﴾

و به آن سقف برافراشته، (۵)

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿٦﴾

و به آن دریای مملو و برافروخته، (۶)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿۷﴾

که بی تردید عذاب پروردگارت واقع شدنی است؛ (۷)

مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ﴿۸﴾

و آن را هیچ مانع و بازدارنده‌ای نیست. (۸)

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾

[و آن در] روزی [است] که آسمان به حرکت و لرزه‌ای

سخت در آید؛ (۹)

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿۱۰﴾

و کوهها [چون گرد و غبار] سریع و تند، روان شوند. (۱۰)

فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾

پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (۱۱)

الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿١٢﴾

همانان که با فرو رفتن [در گفتار و کردار باطل با حقایق]

بازی می کنند. (۱۲)

يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً ﴿۱۳﴾

روزی که آنان را با خشونت و زور به سوی آتش می‌رانند. (۱۳)

هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤﴾

[و به آنان می گویند:] این همان آتشی است که همواره آن را

تکذیب می کردید. (۱۴)

أَفْسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾

آیا این آتش هم جادوست [چنانکه در دنیا وحی را جادو
می پنداشتید] یا شما [این واقعیت آشکار را] نمی بینید [چنانکه در
دنیا حقایق را نمی دیدید؟] (۱۵)

اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ ^ط إِنَّمَا
تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

در آن در آید [و بسوزید]؛ پس صبر کنید یا نکنید برای شما
یکسان است. فقط اعمالی را که همواره انجام می دادید، جزا داده
می شوید. (۱۶)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٧﴾

بی تردید پرهیزکاران در بهشت‌ها و نعمتی فراوان‌اند. (۱۷)

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمُ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمُ عَذَابَ
الْجَحِيمِ ﴿١٨﴾

به آنچه پروردگارشان به آنان عطا کرده و [برای آنکه]
پروردگارشان آنان را از عذاب دوزخ مصون داشته، شادمان و
مسرورند. (۱۸)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾

[به آنان گویند:] به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادید

[از این نعمت‌ها] بخورید و بیاشامید، گوارایتان باد. (۱۹)

مُتَكِّئِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ ۖ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ

عَيْنٍ ﴿۲۰﴾

[این] در حالی [است] که بر تخت‌هایی ردیف و به هم پیوسته

تکیه می‌زنند و حورالعین را به همسری آنان در می‌آوریم. (۲۰)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ
 وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ ۚ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ
 رَهِينٌ ﴿٢١﴾

و کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان [به نوعی] در ایمان از آنان پیروی کردند، فرزندانشان را [در بهشت] به آنان ملحق می‌کنیم و هیچ چیز از اعمالشان را نمی‌کاهیم؛ هر انسانی در گرو اعمال خویش است. (۲۱)

وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾

و [همواره] به آنان انواع میوه‌ها و گوشتهایی که دلخواه آنان

است، می‌رسانیم. (۲۲)

يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيُمُ ﴿٢٣﴾

آنان در بهشت، جام‌های [پر از شراب طهور را] که نه در آن [پس
از نوشیدنش، زمینه] بیهوده گویی و نه [خوردنش] گناه است، از
دست یکدیگر می‌گیرند. (۲۳)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ﴿٢٤﴾

و [همواره برای پذیرایی از آنان] نوجوانانی پیرامونشان
می‌گردند که گویا مرواریدی نهفته در صدف هستند. (۲۴)

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٥﴾

و به یکدیگر روی می کنند [و از احوالات گذشته] از هم

می پرسند. (۲۵)

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿٢٦﴾

می گویند: ما پیش تر [در دنیا] در میان کسان خود [از

عذاب امروز] ترسان بودیم؛ (۲۶)

فَمَنْ لَّهِ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿۲۷﴾

ولی خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب مرگبار حفظ کرد. (۲۷)

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾

از پیش او را [برای نجات از عذاب] می خواندیم؛ زیرا که او

نیکوکار و مهربان است. (۲۸)

فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾

پس [مشرکان را] هشدار ده که تو به لطف و رحمت

پروردگارت نه کاهنی نه دیوانه؛ (۲۹)

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ ﴿٣٠﴾

بلکه این سبک مغزاند که می گویند: او شاعری است که برای او

حوادث تلخ روزگار و آمدن مرگش را انتظار می بردیم! (۳۰)

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ ﴿۳۱﴾

بگو: [هلاکت خود را] انتظار برید که من هم با شما از

منتظرانم. (۳۱)

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهَذَا جَ أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿۳۲﴾

آیا عقل‌هایشان آنان را به این گفتارهای باطل و یاوه [بر ضد تو و قرآن] وامی‌دارد، یا [نه] آنان مردمی طغیان‌گر و سرکش‌اند؟

(۳۲)

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ ج بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۳﴾

یا می گویند: قرآن را از پیش خود ساخته [و به خدا نسبت داده است؟ چنین نیست که می پندارند]، بلکه [قرآن وحی الهی است، ولی اینان] ایمان نمی آورند. (۳۳)

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿۳۴﴾

پس اگر [در ادعای خود] راستگوئید، سخنی مانند آن

بیاورید. (۳۴)

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ ﴿٣٥﴾

آیا آنان از غیر [آن] چیزی [که دیگران را از آن آفریده‌اند،

آفریده شده‌اند. (۳۵)

أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ ﴿۳۶﴾

یا آنان آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند؟ نه، بلکه یقین ندارند. (۳۶)

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيِّرُونَ ﴿۳۷﴾

آیا خزانه‌های [علم و قدرت] پروردگارت نزد آنان است [که هر کس را اینان به پیامبری برگزینند، پیامبر است و چون تو را پیامبر نمی‌دانند، پس پیامبر نیستی؟] یا بر تدبیر امور هستی و بر خدا مسلط‌اند [که اگر بخواهند این مقام را از تو سلب کنند، بتوانند؟]

(۳۷)

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ ۖ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ

مُبِينٍ ﴿۳۸﴾

یا برای آنان نردبانی است که [بر آن برشوند و] در آن خبرهای
غیبی را بشنوند؟ پس باید شنونده اش دلیلی آشکار [بر ادعایش]

بیاورد؟ (۳۸)

أُمُّ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبَنُونَ ﴿۳۹﴾

یا سهم خدا دختران است و سهم شما پسران؟ (۳۹)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٠﴾

یا از آنان [در برابر ابلاغ رسالت] پاداشی می خواهی که از

خسارت آن سنگین بارند؟ (۴۰)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤١﴾

یا علم غیب نزد آنان است که آنان [ادعای خود را از روی

آن] می نویسند؟ (۴۱)

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا ۖ فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾

یا می خواهند [بر ضد تو] نیرنگ و فریبی به کار گیرند؟ ولی

کافران [بدانند که] خود اسیر و محکوم نیرنگ شده‌اند. (۴۲)

أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ ج سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۴۳﴾

آیا آنان را معبودی جز خداست؟ خدا از آنچه شریک او قرار

می دهند، منزّه است. (۴۳)

وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ
مَرْكُومٌ ﴿٤٤﴾

و اگر پاره سنگی در حال سقوط از آسمان ببینند [فکر نمی کنند
عذاب است، بلکه چنان بر انکار حق اصرار دارند که] می گویند:
ابری متراکم است! (۴۴)

فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿٤٥﴾

[اکنون که با هیچ دلیلی هدایت نمی شوند] پس آنان را واگذار تا

آن روزشان را که در آن هلاک می شوند، ببینند. (۴۵)

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٦﴾

روزی که نیرنگشان چیزی از عذاب را از آنان دفع نمی کند و

یاری هم نخواهند شد. (۴۶)

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾

برای ستمکاران جز این عذاب آخرتی عذابی دیگر [در دنیا]
خواهد بود [و آن درهم کوبیده شدنشان در جنگ بدر است]، ولی
بیشترشان معرفت و آگاهی [به وضع خود در آینده] ندارند. (۴۷)

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا^ط وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾

و در برابر حکم پروردگارت شکیبایی کن که تو زیر نظر و مراقبت ما هستی، و هنگامی که [از خواب] برمی خیزی پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی. (۴۸)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَإِذَا بَرَّ النَّجُومِ ﴿٤٩﴾

و [نیز] پاره‌ای از شب و هنگام ناپدید شدن ستارگان [به

سبب روشنایی صبح] خدا را تسبیح گوی. (۴۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به ستاره هنگامی که [برای غروب کردن در کرانه افق] افتد؛ (۱)

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ﴿٢﴾

که هرگز دوست شما از راه راست منحرف نشده، و [در

ایمان و اعتقادش از راه راست] خطا نرفته؛ (۲)

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿۳﴾

و از روی هوا و هوس سخن نمی گوید. (۳)

إِنَّهُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴿٤﴾

گفتار او چیزی جز وحی که به او نازل می شود، نیست. (۴)

عَلَّمَ شَدِيدُ الْقُوَى ﴿۵﴾

[فرشته] بسیار نیرومند به او تعلیم داده است. (۵)

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ﴿٦﴾

[همان که] دارای درایت و توانمندی شگفتی است، پس [به آنچه که مأمور انجامش می باشد] مسلط و چیره است. (۶)

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى ﴿٧﴾

در حالی که در افق اعلا بود. (۷)

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى ﴿۸﴾

سپس نزدیک رفت و نزدیک تر شد (۸)

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ﴿٩﴾

پس [فاصله اش با پیامبر] به اندازه فاصله دو کمان گشت یا

نزدیک تر شد. (۹)

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ﴿۱۰﴾

آن گاه به بنده اش آنچه را باید وحی می کرد، وحی کرد. (۱۰)

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ﴿۱۱﴾

آنچه را دل [پیامبر] دید [به پیامبر] دروغ نگفت [تا او را درباره
حقیقت فرشته وحی به وهم و خیال اندازد، بلکه به حضور و
شهودش یقین کامل داشت.] (۱۱)

أَفْتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ﴿١٢﴾

آیا در آنچه [به حقیقت] می بینید با او به سختی مجادله و

ستیزه می کنید؟ (۱۲)

وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ﴿۱۳﴾

و بی تردید یک بار دیگر هم او را دیده است (۱۳)

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى ﴿٤﴾

نزد سدره المنتهى، (۱۴)

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ﴿١٥﴾

در آنجا که جنت الماوی است. (۱۵)

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ﴿١٦﴾

آن گاه که سدره را احاطه کرده بود آنچه [از فرشتگان، نور و

زیبایی] احاطه کرده بود. (۱۶)

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ﴿١٧﴾

دیده [پیامبر آنچه را دید] بر غیر حقیقت و به خطا ندید و از

مرز دیدن حقیقت هم درنگاشت. (۱۷)

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى ﴿۱۸﴾

به راستی که بخشی از نشانه‌های بسیار بزرگ

پروردگارش را دید. (۱۸)

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ﴿١٩﴾

پس به من از لات و عزی [دوبت خویش] خبر دهید (۱۹)

وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ ﴿٢٠﴾

و منات، سومین [بت] دیگرتان [که شما آنها را تمثال
فرشتگانی به عنوان دختران خدا می‌پندارید،] (۲۰)

أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ﴿٢١﴾

آیا [به پندار شما] ویژه شما پسر و ویژه او دختر است؟! (۲۱)

تِلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ﴿٢٢﴾

در این صورت این تقسیمی ظالمانه است. (۲۲)

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ۚ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ ۖ
وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ ﴿٢٣﴾

این بتان [که شما آنها را به عنوان شریک خدا گرفته‌اید] چیزی جز نام‌ها [ی بی معنا و بی مفهوم] که شما و پدرانتان [بر اساس حدس و گمان] نامگذاری کرده‌اید نیستند، خدا بر [حقانیت] آنها هیچ دلیلی نازل نکرده است. اینان فقط از پندار و گمان [بی پایه] و هواهای نفسانی پیروی می‌کنند، در حالی که مسلماً از سوی پروردگارشان برای آنان هدایت آمده است. (۲۳)

أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى ﴿٢٤﴾

مگر برای انسان آنچه را [چون حاجت بخشی بتان و
شفاعت آنان] آرزو می کند، فراهم است؟ (۲۴)

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ﴿٢٥﴾

آخرت و دنیا فقط در سیطره مالکیت و

فرمانروایی خداست. (۲۵)

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا
مَنْ بَعْدَ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى ﴿٢٦﴾

و چه بسیار فرشتگانی که در آسمان‌ها هستند که شفاعتشان هیچ
سودی نمی‌بخشد مگر پس از آنکه خدا برای هر که بخواهد و
پسندد، اجازه دهد. (۲۶)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً
الْأُنثَىٰ ﴿٢٧﴾

مسلمانان کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را در
نامگذاری به نام زن نامگذاری می کنند؛ (۲۷)

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا
يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ﴿٢٨﴾

و آنان را به این کار هیچ آگاهی و معرفت نیست. [آنان] فقط از
گمان پیروی می کنند، و بی تردید گمان [انسان را] برای دریافت
حق، هیچ سودی نمی دهد. (۲۸)

فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ
الدُّنْيَا ﴿٢٩﴾

بنابراین از کسانی که از یاد ما روی گردانده‌اند و جز زندگی
دنیا را نخواسته‌اند، روی بگردان. (۲۹)

ذٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ ۚ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ
سَبِيْلِهِ وَهُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدٰى ﴿۳۰﴾

این [دنیا خواهی] آخرین مرز دانش و معرفت آنان است؛ یقیناً
پروردگارت به کسی که از راه او منحرف شده، داناتر است، و او به
کسی که هدایت یافته، آگاه تر است. (۳۰)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ
 أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا
 بِالْحُسْنَى ﴿٣١﴾

و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، تا کسانی را که مرتکب گناه شده‌اند، همان گناهانشان را به آنان کیفر دهد، و کسانی را که کار نیک کرده‌اند، همان کار نیکشان را به آنان پاداش دهد. (۳۱)

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ
 وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ ۚ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ
 أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ ۗ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ ۗ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ

اتَّقَى (۳۲)

کسانی که از گناهان بزرگ و زشت کاری‌ها جز لغزش‌های کوچک دوری می‌کنند [مورد
 آمرزش‌اند] یقیناً آمرزش پروردگارت گسترده و وسیع است. او به شما از هنگامی که شما
 را از زمین به وجود آورد و از هنگامی که در شکم مادرانتان جنین بودید، داناتر است؛ پس
 خودستایی نکنید. او به کسی که پرهیزکاری پیشه کرده است، آگاه‌تر است. (۳۲)

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ ﴿۳۳﴾

آیا کسی را که [از حق] روی گردانید، دیدی؟ (۳۳)

وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى ﴿٣٤﴾

و اندکی [از مال خود] بخشید و [از باقی مانده آن] امساک

ورزید. (۳۴)

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَىٰ ﴿٣٥﴾

آیا علم غیب نزد اوست و او می بیند [که بارگناهانش رادر

قیامت دیگری برمی دارد؟] (۳۵)

أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ ﴿٣٦﴾

یا او را به آنچه در صحیفه‌های موسی است خبر نداده‌اند؟ (۳۶)

وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَىٰ (۳۷)

و [یا به آنچه در صحیفه‌های] ابراهیم [است] همان که به طور کامل [به پیمانش با خدا] وفا کرد [آگاهش نکرده‌اند؟] (۳۷)

أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ﴿٣٨﴾

که هیچ سنگین باری بار گناه دیگری را بر نمی دارد، (۳۸)

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ ﴿٣٩﴾

و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و

بهره‌ای] نیست، (۳۹)

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ ﴿٤٠﴾

و اینکه تلاش او به زودی دیده خواهد شد؛ (۴۰)

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ ﴿٤١﴾

سپس به تلاشش پاداش کامل خواهند داد؛ (۴۱)

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ ﴿٤٢﴾

و اینکه پایان [همه امور] به سوی پروردگارتوست؛ (۴۲)

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ﴿٤٣﴾

و این اوست که می خنداند و می گریاند؛ (۴۳)

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا ﴿٤٤﴾

و هم اوست که می میراند و زنده می کند. (۴۴)

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿٤٥﴾

واوست که دو زوج نر وماده آفرید، (۴۵)

مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ ﴿٤٦﴾

از نطفه هنگامی که در رحم ریخته شود. (۴۶)

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشَأَ الْأُخْرَىٰ ﴿٤٧﴾

و پدید آوردن جهان دیگر بر عهده اوست، (۴۷)

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ ﴿٤٨﴾

و اوست که شما را توانگر کرد و سرمایه

قابل ذخیره بخشید، (۴۸)

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ ﴿٤٩﴾

و او پروردگار [ستاره] شِعرى است، (۴۹)

وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ ﴿٥٠﴾

و اوست که قوم عاد نخستین را هلاک کرد، (۵۰)

وَتَمُودَ فَمَا أَبْقَى ﴿۵۱﴾

و [نیز] قوم تمود را به طوری که [کسی از آنان را]

باقی نگذاشت (۵۱)

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّنْ قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَىٰ ﴿٥٢﴾

وقوم نوح را پیش تر [هلاک کرد]؛ زیرا آنان ستمکارتر و

سرکش تر بودند (۵۲)

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ ﴿۵۳﴾

و شهرها [ی قوم لوط] رازیر و رو کرد و به زمین کوید. (۵۳)

فَغَشَّاهَا مَا غَشَّى ﴿٥٤﴾

پس [عذاب خدا] آنان را احاطه کرد آن مقدار

که احاطه کرد. (۵۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ﴿۵۵﴾

پس [ای انسان!] در کدام یک از نعمت‌های پروردگارت
تردید می‌کنی [که آیا از سوی خدا هست یا نیست؟!] (۵۵)

هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ الْأُولَىٰ ﴿٥٦﴾

این پیامبر [نیز] بیم دهنده‌ای از [زمره] بیم دهندگان

پیشین است. (۵۶)

أَزِفَتِ الْأَزِفَةُ ﴿٥٧﴾

قیامت نزدیک شد. (۵۷)

لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ﴿٥٨﴾

کسی جز خدا بر طرف کننده [سختی‌ها و هول و هراسش]

نیست. (۵۸)

أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿۵۹﴾

آیا از این سخن تعجب می کنید؟ (۵۹)

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ﴿٦٠﴾

و [با چنین وضعی که دارید هنوز] می خندید

و نمی گریید؟! (۶۰)

وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ ﴿٦١﴾

و همواره سرکشی می کنید و غافلانه به خوشی و

خوشگذرانی مشغول هستید؟! (۶۱)

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ﴿٦٢﴾

پس [با این وصف که قیامتی سنگین در پی دارید، بیایید]

خدا را سجده کنید و پرستید. (۶۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ
الْقَمَرُ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

قیامت بسیار نزدیک شد، و ماه از هم شکافت. (۱)

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿٢﴾

و اگر معجزه‌ای را ببینند، روی بگردانند و گویند: [این]

جادویی همیشگی است! (۲)

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ^ج وَكُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقَرٌّ ﴿٣﴾

و [قرآن، رسالت پیامبر و معجزه را] انکار کردند و هواهای نفسانی خود را پیروی نمودند، در حالی که هر کاری [چه خیر و چه شر، چه حق و چه باطل در قرارگاه ویژه خود] قرار می‌گیرد [و اینان به زودی خواهند دانست که قرآن و پیامبر بر حق

است یا معبودانشان؟] (۳)

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ﴿٤﴾

بی تردید آنچه از خبرها [ی گذشتگان] که [در آن] مایه بازداشتن
[از کفر و شرک و گناهان] است برای آنان آمده است. (۴)

حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ ۖ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ ﴿٥﴾

[این خبرها] پندی رساست، ولی هشدارها [به این

ستمکاران لجوج] سودی نمی بخشد. (۵)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ ﴿٦﴾

بنابراین از آنان روی بگردان [و] روزی را [یاد کن] که آن دعوت کننده [یعنی اسرافیل] آنان را به امری بس دشوار و هولناک دعوت

می کند. (۶)

خُسْعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ
مُنْتَشِرٌ ﴿٧﴾

در حالی که دیدگانشان [از شدت ترس] فرو افتاده، هم
چون ملخ‌های پراکنده از گورها بیرون آیند. (۷)

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسِيرٍ ﴿۸﴾

شتابان به سوی آن دعوت کننده می روند و کافران می گویند:

امروز روز بسیار سختی است. (۸)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ
وَازْدَجَرَ ﴿٩﴾

پیش از آنان قوم نوح [پیامبران] را تکذیب کردند، پس بنده ما
[نوح] را هم تکذیب کردند و گفتند: دیوانه است، و جن زده‌ای
است [که آثاری از گزند جن در او می‌باشد.] (۹)

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ ﴿١٠﴾

پس پروردگارش را خواند که من مغلوب شده ام [و از ستم و

زورگویی آنان دلتنگم] بنابراین انتقام [مرا از اینان] بگیر. (۱۰)

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ ﴿۱۱﴾

پس [در پاسخ درخواستش] درهای آسمان را به آبی بسیار

فراوان و ریزان گشودیم، (۱۱)

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ
قُدِرَ ﴿۱۲﴾

و زمین را به [جوشیدن] چشمه‌هایی [پر آب] شکافتیم؛ پس آبِ
آسمان و زمین برای کاری که مقدر شده بود به هم پیوستند، (۱۲)

وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوَّاحِ وَدُسْرٍ ﴿۱۳﴾

و او را بر کشتی که دارای تخته‌ها و میخ‌ها بود سوار کردیم، (۱۳)

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرَ ﴿١٤﴾

که زیر نظر ما روان بود. [و این] پاداشی بود برای کسی که

مورد تکذیب قرار گرفته بود. (۱۴)

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٥﴾

و بی تردید آن سرگذشت را [برای آیندگان] مایه پند و عبرت

باقی گذاشتیم، پس آیا پند گیرنده‌ای هست؟ (۱۵)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ﴿١٦﴾

پس عذاب و هشدارهایم چگونه بود؟ (۱۶)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٧﴾

و یقیناً ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، پس آیا پند

گیرنده‌ای هست؟ (۱۷)

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ﴿١٨﴾

قوم عاد [پیامبرشان را] تکذیب کردند، پس عذاب و

هشدارهایم چگونه بود؟ (۱۸)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ
مُسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾

ما بر آنان در روزی شوم که شومی اش استمرار داشت، تندبادی
سخت و بسیار سرد [به عنوان عذاب] فرستادیم، (۱۹)

تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾

که مردم را [از زمین] برمی کند [و بعد از آن عذاب،] گویی

تنه‌های نخلی بودند که ریشه کن شده‌اند. (۲۰)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ﴿٢١﴾

پس عذاب و هشدارهایم چگونه بود؟ (۲۱)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٢٢﴾

و یقیناً ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، پس آیا پند

گیرنده‌ای هست؟ (۲۲)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ﴿٢٣﴾

قوم ثمود بيم دهندگان را تکذيب کردند. (۲۳)

فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ

وَسُعْرٍ ﴿٢٤﴾

پس گفتند: آیا ما بشری از جنس خود را که [تک و] تنهاست [و جمعیت و نیرویی با خود ندارد] پیروی کنیم؟! در این صورت در گمراهی و دیوانگی خواهیم بود. (۲۴)

أَلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ ﴿٢٥﴾

آیا از میان ما فقط بر او وحی نازل شده است؟! [نه، چنین نیست]
بلکه او بسیار دروغگو و پر افاده و متکبر است [که می خواهد بر

ما بزرگی کند.] (۲۵)

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَنِ الْكَذَّابُ الْأَشِيرُ ﴿٢٦﴾

در فردای نزدیک خواهند دانست که بسیار دروغگو و پرافاده

و متکبر کیست؟ (۲۶)

إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ﴿٢٧﴾

[به صالح گفتیم:] ما برای آزمایش آنان یقیناً آن ماده شتر
[درخواست شده] را خواهیم فرستاد؛ پس در انتظار سرانجام آنان
باش و شکیبایی پیشه کن. (۲۷)

وَنَبِّئُهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ ۖ كُلُّ شِرْبٍ مُّخْتَصِرٌ ﴿٢٨﴾

و آنان را خبر ده که آب آشامیدنی میان آنان و ماده شتر تقسیم شده است؛ هریک در زمان نوبت خود بر سر آب حاضر شوند. (۲۸)

فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ﴿۲۹﴾

پس آنان یارشان را [که برای پی کردن ناقه آماده کرده بودند] فرا خواندند و [او] دست به کار شد و [ماده شتر را] پی کرد. (۲۹)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ﴿٣٠﴾

پس عذاب و هشدارهایم چگونه بود؟ (۳۰)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ
الْمُحْتَضِرِ ﴿٣١﴾

ما بر آنان یک فریاد مرگبار فرستادیم، پس همه آنان به صورت گیاه خشکی که در آغل چهارپایان جمع می کنند، درآمدند. (۳۱)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٣٢﴾

و یقیناً ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، پس آیا پند

گیرنده‌ای هست؟ (۳۲)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالَّذِي (۳۳)

قوم لوط بیم دهندگان را تکذیب کردند. (۳۳)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ

بِسَحَرٍ ﴿۳۴﴾

ما بر آنان توفانی سخت که با خود ریگ و سنگ می آورد فرستادیم
[در نتیجه همه را هلاک کرد]، مگر خاندان لوط را که سحرگهان

نجاتشان دادیم. (۳۴)

نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا ۚ كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ﴿٣٥﴾

[این] نعمت و رحمتی از سوی ما بود، این گونه کسی را که

سپاس گزار است، پاداش می دهیم. (۳۵)

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ ﴿۳۶﴾

به راستی لوط آنان را به مؤاخذه سخت ما بیم داده بود، ولی [آنان
با وی] در بیمها و هشدارها [یش] سرسختانه مجادله و ستیزه
کردند. (۳۶)

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي
وَنُذِرُ ﴿٣٧﴾

و از میهمانانش [که در حقیقت فرشتگان ما بودند] کام جویی
خواستند، در نتیجه دیدگانشان را محو و نابینا کردیم؛ پس [گفتیم:
طعم] عذاب و هشدارهایم را بچشید. (۳۷)

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ ﴿۳۸﴾

به یقین در سپیده دم عذابی پیگیر و پایدار به آنان رسید. (۳۸)

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿۳۹﴾

پس [گفتیم: طعم] عذاب و هشدارهایم را بچشید. (۳۹)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٤٠﴾

و یقیناً ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، پس آیا پند

گیرنده‌ای هست؟ (۴۰)

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النَّذْرُ ﴿٤١﴾

و همانا برای فرعونیان بیم دهندگان آمدند. (۴۱)

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاَهُمْ أَخَذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٤٢﴾

[آنان] همه معجزات و آیات ما را تکذیب کردند؛ در نتیجه آنان را

[به عذابی سخت] گرفتیم، گرفتن توانایی شکست ناپذیر و

نیرومند. (۴۲)

أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلَائِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ﴿٤٣﴾

آیا کافران [شهر] شما از اقوامی که بر شمردیم، بهتر و برترند [تا به سبب بهتری و برتری مصون از عذاب باشند؟] یا برای شما در کتاب‌های آسمانی امان نامه‌ای هست [که هر جرمی را مرتکب شوید عذابی نخواهید داشت؟! (۴۳)]

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرُونَ ﴿٤٤﴾

یا [آنکه] می گویند: ما گروهی متحد و پشتیبان یکدیگریم [که هرکس بخواهد آسیبی به ما رساند، با قدرت هرچه تمام تر از او

انتقام می گیریم؟] (۴۴)

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ﴿٤٥﴾

به زودی [این] گروه [متحد در جنگی که خود بر ضد مؤمنان تدارک

می بینند] شکست می خورند و پشت کنان می گریزند. (۴۵)

بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَبِي وَأَمْرٌ ﴿٤٦﴾

بلکه وعده گاهشان قیامت است، و قیامت هولناک تر و

تلخ تر است. (۴۶)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ ﴿٤٧﴾

بی تردید گنهکاران در گمراهی و انحراف و در آتش

افروخته‌اند. (۴۷)

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ

سَقَرٍ ﴿٤٨﴾

روزی که با صورت در آتش کشیده می شوند [و به آنان

می گویند:] سوزندگی و عذاب دردناک دوزخ را بچشید. (۴۸)

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾

ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم. (۴۹)

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿۵۰﴾

و فرمان ما جز فرمان واحدی نیست که مانند یک چشم بر

هم زدن است. (۵۰)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٥١﴾

بی تردید ما هم مسلکان شما را [که در گذشته به سر می بردند، به خاطر

طغیانشان] هلاک کردیم؛ پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۵۱)

وَ كُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿٥٢﴾

و هر عملی را که انجام دادند در نامه‌های اعمالشان ثبت

است. (۵۲)

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ ﴿۵۳﴾

و هر کوچک و بزرگی [از اعمالشان در آن] نوشته شده

است. (۵۳)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ﴿٥٤﴾

یقیناً پرهیزکاران در بهشت‌ها و [کنار] نه‌ها هستند؛ (۵۴)

فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿۵۵﴾

در جایگاهی حق و پسندیده نزد پادشاهی توانا. (۵۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الرَّحْمَنُ ﴿۱﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

[خدای] رحمان (۱)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾

قرآن را تعلیم داد. (۲)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)

انسان را آفرید؛ (۳)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾

به او بیان آموخت؛ (۴)

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ﴿٥﴾

خورشید و ماه با حسابی [منظم و دقیق] روانند؛ (۵)

وَالنَّجْمِ وَالشَّجَرِ يَسْجُدَانِ ﴿٦﴾

و گیاه و درخت همواره [برای او] سجده می کنند؛ (۶)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿٧﴾

و آسمان را برافراشت و [برای سنجش هر امر معنوی و

مادی] ترازو نهاد؛ (۷)

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿٨﴾

تا در [سنجیدن با] ترازو طغیان روا مدارید [و از مرز عدالت

و انصاف مگذرید.] (۸)

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿٩﴾

و ترازو را به عدالت برپا دارید و از ترازو مکاهید؛ (۹)

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ﴿۱۰﴾

و زمین را برای [زندگی] مردم نهاد؛ (۱۰)

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْاَكْمَامِ ﴿١١﴾

در آن میوه‌ها و نخل‌ها با خوشه‌های غلاف دار است؛ (۱۱)

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ﴿١٢﴾

و دانه‌های با سبوس و کاه و گیاهان خوشبوست، (۱۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۱۳﴾

پس [ای انس و جن!] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را

انکار می‌کنید؟ (۱۳)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ﴿٤﴾

انسان را از گلی خشکیده مانند سفال آفرید. (۱۴)

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ ﴿١٥﴾

و جن را از آمیزه‌ای [از شعله‌های مختلف]

آتش به وجود آورد. (۱۵)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٦﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را

انکار می‌کنید؟ (۱۶)

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿۱۷﴾

پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است. (۱۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٨﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را

انکار می‌کنید؟ (۱۸)

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿١٩﴾

دو دریای [شیرین و شور] را روان ساخت در حالی که

همواره باهم تلاقی و برخورد دارند؛ (۱۹)

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴿٢٠﴾

[ولی] میان آن دو حایلی است که به هم تجاوز نمی کنند

[در نتیجه باهم مخلوط نمی شوند!] (۲۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢١﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را

انکار می‌کنید؟ (۲۱)

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٢٢﴾

از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان بیرون می آید. (۲۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٣﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را

انکار می‌کنید؟ (۲۳)

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٢٤﴾

و او را در دریا کشتی های بادبان برافراشته

چون کوههاست. (۲۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٥﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را

انکار می‌کنید؟ (۲۵)

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾

همه آنان که روی این زمین هستند، فانی می شوند. (۲۶)

وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾

و تنها ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی می ماند.

(۲۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٨﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۲۸)

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي
شَأْنٍ ﴿٢٩﴾

هر که در آسمان‌ها و زمین است از او درخواست [حاجت]
می‌کند، او هر روز در کاری است. (۲۹)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٠﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۳۰)

سَنَفِرُغُ لَكُمْ أَيَّةَ الثَّقَلَانِ ﴿٣١﴾

ای انس و جن! به زودی به [حساب] شما می پردازیم. (۳۱)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۳۲﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۳۲)

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ
 أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا ۚ لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا
 بِسُلْطَانٍ ﴿۳۳﴾

ای گروه جن و انس! اگر می‌توانید از کرانه‌ها و نواحی آسمان‌ها و
 زمین بیرون روید، پس بیرون روید؛ نمی‌توانید بیرون روید مگر با
 نوعی توانایی و قدرت. (۳۳)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۳۴﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۳۴)

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا
تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾

بر شما شعله‌هایی از آتش بی دود و دود آتش آلود فرستاده خواهد شد،
در نتیجه نمی‌توانید یکدیگر را [برای دفع عذاب] یاری دهید! (۳۵)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۳۶)

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾

و ناگهان آسمان بشکافد و چون چرمی سرخ

رنگ و گلگون شود. (۳۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۳۸﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۳۸)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ ﴿٣٩﴾

پس در آن روز [به علت سرعت فوق العاده حسابرسی و روشن
بودن همه امور] هیچ انس و جنی را از گناهش نپرسند. (۳۹)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٠﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۴۰)

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي
وَالْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾

گناهکاران به نشانه‌هایشان شناخته می‌شوند، پس آنان را به موهای
پیش سرو به پاهایشان می‌گیرند [و به آتش می‌اندازند.] (۴۱)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٢﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۴۲)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٤٣﴾

این همان دوزخی است که گنهکاران آن را دروغ

می پنداشتند. (۴۳)

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ ﴿٤٤﴾

آنان در میان آتش و آب جوشان رفت و آمد می کنند (۴۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٥﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۴۵)

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿٤٦﴾

و برای کسی که از مقام پروردگارش [که احاطه و تسلط او
بر ظاهر و باطن هستی است] بترسد دو بهشت است. (۴۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٧﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۴۷)

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ﴿٤٨﴾

[دو بهشتی که] دارای درختان و شاخسارهای

باطراوت و انبوه است. (۴۸)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٩﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۴۹)

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ﴿٥٠﴾

در آن دو بهشت دو چشمه‌ای است که همواره

جاری است. (۵۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥١﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۵۱)

فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٥٢﴾

در آن دو بهشت از هر میوه‌ای دو نوع فراهم است. (۵۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٣﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۵۳)

مُتَكِّئِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ ۚ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ
دَانٍ ﴿٥٤﴾

[بهشتیان] بر بسترهایی که آستر آنها از حریر درشت بافت است،
تکیه می‌زنند، و میوه‌های رسیده آن دو بهشت [به آسانی] در
دسترس است. (۵۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۵۵﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۵۵)

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا
جَانٌّ ﴿٥٦﴾

در آن بهشت‌ها زنانی هستند که فقط به همسرانشان عشق
می‌ورزند، و پیش از آنان دست هیچ انس و جنی به آنان نرسیده
است. (۵۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۵۷)

كَأَنَّهِنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾

گویی آن زنان بهشتی یاقوت و مرجان اند. (۵۸)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۵۹)

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴿٦٠﴾

آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟ (۶۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۶۱)

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾

و جز آن دو بهشت، دو بهشت دیگر [هم] هست. (۶۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۶۳)

مُدْهَامَّتَانِ ﴿۶۴﴾

آن [دو بهشت دیگر] در نهایت سرسبزی اند. (۶۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٥﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۶۵)

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾

در آن دو بهشت دو چشمه همواره جوشان و

در حال فوران است. (۶۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۶۷)

فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٨﴾

در آنها میوه‌های فراوان و درخت خرما و انار است. (۶۸)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۶۹)

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿۷۰﴾

در آنها زنانی نیکو سیرت و زیبا صورت اند. (۷۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۷۱)

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٢﴾

حوریانی که در سراپرده‌ها مستورند. (۷۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۷۳﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۷۳)

لَمْ يَطْمِئُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٧٤﴾

پیش از همسران بهشتی شان دست هیچ انس و جنی به آنان

نرسیده است. (۷۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۷۵)

مُتَّكِنِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾

بر بالش‌های سبز و فرش‌های زیبا تکیه می‌زنند. (۷۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۷۷﴾

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

را انکار می‌کنید؟ (۷۷)

تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

همیشه سودمند و با برکت است نام پروردگار با شکوه و

ارجمندت. (۷۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

هنگامی که واقعه [بسیار عظیم قیامت] واقع شود، (۱)

لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾

که در واقع شدنش دروغی [در کار] نیست، (۲)

خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ﴿٣﴾

پست کننده [کافران] و رفعت دهنده [مؤمنان] است. (۳)

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا ﴿٤﴾

هنگامی که زمین به شدت لرزانده شود، (۴)

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾

و کوهها درهم کوبیده و ریز ریز شوند. (۵)

فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبِتًا ﴿٦﴾

در نتیجه غباری پراکنده گردد، (۶)

وَ كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿۷﴾

و شما سه گروه شوید: (۷)

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾

سعادت‌مندان، چه بلند مرتبه‌اند سعادت‌مندان! (۸)

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾

و شقاوتمندان، چه دون پایه اند شقاوتمندان! (۹)

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿۱۰﴾

و پیشی گیرندگان [به اعمال نیک] که پیشی گیرندگان [به

رحمت و آمرزش] اند، (۱۰)

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾

اینان مقربان اند، (١١)

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾

در بهشت‌های پر نعمت‌اند. (۱۲)

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿۱۳﴾

گروهی بسیار از پیشینان، (۱۳)

وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿٤﴾

و اندکی از پسینان، (۱۴)

عَلَى سُرِّ مَوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾

بر تخت‌هایی زربافت، (۱۵)

مُتَكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ﴿١٦﴾

در حالی که روبروی یکدیگر بر آنها تکیه دارند. (۱۶)

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾

نوجوانانی همیشه نو جوان همواره [برای خدمت] پیرامونشان

می گردند، (۱۷)

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ﴿١٨﴾

با قدح‌ها و کوزه‌ها و جام‌هایی از باده ناب و پاک، (۱۸)

لَا يُصَدِّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ ﴿١٩﴾

که از نوشیدنش نه سردرد گیرند، و نه مست

و بی خرد شوند، (۱۹)

وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢٠﴾

و میوه‌ها از هر نوعی که اختیار کنند، (۲۰)

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾

و گوشت پرنده از هر گونه‌ای که بخواهند، (۲۱)

وَحُورٌ عَيْنٌ ﴿۲۲﴾

و حوریانی چشم درشت، (۲۲)

كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿۲۳﴾

هم چون مروارید پنهان شده در صدف؛ (۲۳)

جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾

پاداشی است در برابر اعمالی که همواره

انجام می دادند. (۲۴)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا ﴿٢٥﴾

در آنجا نه سخن بیهوده‌ای می‌شنوند، نه کلام

گناه آلودی، (۲۵)

إِلَّا قِيْلًا سَلَامًا سَلَامًا ﴿٢٦﴾

مگر سخنی که سلام است و سلام، (۲۶)

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾

و سعادتمندان چه بلند مرتبه اند سعادتمندان! (۲۷)

فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿٢٨﴾

در سایه درخت سدر بی خارند، (۲۸)

وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ ﴿٢٩﴾

و درختان موزی که میوه‌هایش خوشه خوشه روی هم چیده

شده است، (۲۹)

وَضِلِّ مَمْدُودٍ ﴿۳۰﴾

و سایه‌ای گسترده و پایدار، (۳۰)

وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣١﴾

و آبی ریزان، (۳۱)

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿۳۲﴾

و میوه‌ای فراوان، (۳۲)

لَا مَقْطُوعَةَ وَلَا مَمْنُوعَةَ ﴿۳۳﴾

که پایان نپذیرد و ممنوع نشود، (۳۳)

وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾

و همسرانی بلند مرتبه، (۳۴)

إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً ﴿۳۵﴾

که ما آنان را با آفرینشی ویژه آفریدیم؛ (۳۵)

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ﴿۳۶﴾

پس آنان را همواره دوشیزه قرار داده‌ایم (۳۶)

عُرْبًا أَتْرَابًا ﴿۳۷﴾

عشقورز به شوهران، و هم سن و سال با همسران. (۳۷)

لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٨﴾

[همه این نعمت‌ها] برای سعادتمندان [است]. (۳۸)

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿۳۹﴾

گروهی بسیار از پیشینیان، (۳۹)

وَتَلَّهٖ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿٤٠﴾

و گروهی بسیار از پسینان، (۴۰)

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤١﴾

و شقاوتمندان، چه دون پایه اند شقاوتمندان! (۴۱)

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٢﴾

در میان بادی سوزان و آبی جوشان [قرار دارند،] (۴۲)

وَضِلٌّ مِّنْ يَّحْمُومٍ ﴿٤٣﴾

و سایه‌ای از دودهای بسیار غلیظ و سیاه، (۴۳)

لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾

نه خنک است و نه آرام بخش، (۴۴)

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾

اینان پیش از این از نازپروردگان خود کامه و

سرکش بودند، (۴۵)

وَكَاؤُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ ﴿٤٦﴾

و همواره بر گناهان بزرگ پافشاری داشتند، (۴۶)

وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾

و پیوسته می گفتند: آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوان

شدیم، آیا به راستی برانگیخته می شویم؟! (۴۷)

أَوَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿٤٨﴾

و آیا پدران گذشته ما نیز برانگیخته می شوند؟! (۴۸)

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾

بگو: بی تردید ہمہ پیشینان و ہمہ پسینان، (۴۹)

لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿۵۰﴾

برای وعده گاه روزی معین گرد آورده خواهند شد. (۵۰)

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكْذِبُونَ ﴿٥١﴾

آن گاه شما ای گمراهان انکار کننده! (۵۱)

لَاكُلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ ﴿٥٢﴾

قطعاً از درختی که از زقّوم است [و دارای مایعی جوشان و

بسیار بدمزه و بدبوست] خواهید خورد؛ (۵۲)

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿۵۳﴾

و شکم‌ها را از آن پر خواهید کرد، (۵۳)

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾

و روی آن از آب جوشان خواهید نوشید، (۵۴)

فَسَارِبُونَ شُرَبَ الْهَيْمِ ﴿۵۵﴾

مانند نوشیدن شترانی که به شدت تشنه‌اند؛ (۵۵)

هَذَا نُزِّلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾

این است پذیرایی از آنان در روز جزا. (۵۶)

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿۵۷﴾

ما شما را آفریدیم، پس چرا [آفرینش دوباره خود را پس از

مرگ] باور نمی کنید؟ (۵۷)

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾

آیا از [حالات و دگرگونی‌های] نطفه‌ای که در رحم می‌ریزید

آگاه هستید؟ (۵۸)

أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿۵۹﴾

آیا شما آن را [تا انسانی معتدل و آراسته شود] می آفرینید یا

ما آفریننده ایم؟ (۵۹)

نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾

ماييم که مرگ را میان شما مقدر کردیم، و هیچ چیز ما را [در

جاری کردن مرگ بر شما] مغلوب نمی کند. (۶۰)

عَلَىٰ أَنْ يُبَدَّلَ أَمْثَالِكُمْ وَنُنشِئْكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾

[آری، مرگ را مقدر کردیم] تا امثال شما را جایگزین شما کنیم و شما را

به صورتی که نمی دانید آفرینشی تازه و جدید بخشیم، (۶۱)

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾

و به راستی پیدایش نخستین را [که جهان فعلی است] شناختید،

پس چرا متذکر [پدید شدن جهان دیگر] نمی‌شوید؟! (۶۲)

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿٦٣﴾

مرا خبر دهید آنچه را می کارید، (۶۳)

أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾

آیا شما آن را می‌رویانید، یا ما می‌رویانیم؟ (۶۴)

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾

به یقین اگر بخواهیم، آن را ریز ریز کرده و خاشاک می کنیم
که متأسف و شگفت زده می شوید، (۶۵)

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ﴿٦٦﴾

[و می گوئید:] مسلماً ما خسارت زده ایم، (۶۶)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿۶۷﴾

بلکہ ناکام و محرومیم (۶۷)

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾

به من خبر دهید آبی که می نوشید، (۶۸)

أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ﴿٦٩﴾

آیا شما آن را از ابر باران زافرود آوردهاید یا ما فرود

آورنده ایم؟ (۶۹)

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿۷۰﴾

اگر بخواهیم آن را تلخ می گردانیم، پس چرا سپاس گذاری

نمی کنید؟ (۷۰)

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾

به من خبر دهید آتشی که می افروزید، (۷۱)

أَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ ﴿۷۲﴾

آیا شما درختش را به وجود آورده‌اید یا ما به وجود

آوردنده‌ایم؟ (۷۲)

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ ﴿۷۳﴾

ما آن را وسیله تذکر و مایه استفاده برای صحرانشینان و

بیابانگردان قرار داده‌ایم. (۷۳)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿۷۴﴾

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. (۷۴)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿۷۵﴾

پس به جایگاه ستارگان سوگند می خورم، (۷۵)

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّو تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾

و اگر بدانید بی تردید این سوگندی بس بزرگ است. (۷۶)

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿۷۷﴾

که یقیناً این قرآن، قرآنی است ارجمند و باارزش؛ (۷۷)

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿٧٨﴾

[که] در کتابی مصون از هر گونه تحریف و دگرگونی [به نام

لوح محفوظ جای دارد.] (۷۸)

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾

جز پاک شدگان [از هر نوع آلودگی] به [حقایق و اسرار و

لطایف] آن دسترسی ندارند. (۷۹)

تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾

نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است. (۸۰)

أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُذْهِبُونَ ﴿٨١﴾

آیا شما نسبت به این گفتار سهل انگاری می کنید [و آن را

قابل اعتنا نمی دانید؟!] (۸۱)

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ ﴿٨٢﴾

و فقط نصیب خود را این قرار می دهید که آن را انکار کنید؟! (۸۲)

فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ ﴿۸۳﴾

پس چرا ہنگامی کہ روح بہ گلوگاہ می رسد، (۸۳)

وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ﴿٨٤﴾

و شما در آن وقت نظاره گر هستید [و هیچ کاری از شما

ساخته نیست!] (۸۴)

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾

و ما به او از شما نزدیک تریم، ولی نمی بینید. (۱۵)

فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿۸۶﴾

[آری] پس چرا اگر شما پاداش داده نمی‌شوید [و به گمان خود

قیامتی در کار نیست و شما را قدرتی بزرگ و فراتر است؟] (۸۶)

تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۸۷﴾

آن [روح به گلوگاه رسیده] را [به بدن محتضر] بر نمی

گردانید، اگر [در ادعای خود] راستگویند؟ (۸۷)

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿۸۸﴾

پس اگر [جان به گلو رسیده] از مقربان باشد، (۸۸)

فَرُوْحٌ وَرِيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيْمٌ ﴿٨٩﴾

[در] راحت و آسایش و بهشت پر نعمت [خواهد بود.] (۸۹)

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩٠﴾

و اگر از سعادت‌مندان باشد، (۹۰)

فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩١﴾

[به او گفته می شود:] از سوی سعادت‌مندان بر تو سلام باد. (۹۱)

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكْذِبِينَ الضَّالِّينَ ﴿٩٢﴾

و اما اگر از انکار کنندگان [حقایق و] گمراه باشد، (۹۲)

فَنْزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ ﴿۹۳﴾

پذیرایی از او با آب جوشان است، (۹۳)

وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ ﴿٩٤﴾

و وارد شدن به دوزخ است. (۹۴)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿٩٥﴾

[آنچه درباره این سه طایفه بیان شد،] بی تردید این است

همان حَقُّ یقینی. (۹۵)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿۹۶﴾

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. (۹۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.
آنچه در آسمانها و زمین است، خدا را [به پاک بودن از هر عیب و
نقصی] می ستایند، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱)

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَىٰ
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢﴾

مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره اوست،
زنده می‌کند و می‌میراند، و او بر هر کاری تواناست. (۲)

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ

عَلِيمٌ ﴿۳﴾

اوست اول و آخر و ظاهر و باطن، و او به همه چیز داناست. (۳)

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ
 عَلَى الْعَرْشِ ۚ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا
 يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۖ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ۚ

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾

اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر تخت فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش چیره و مسلط شد. آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از آن بیرون می‌آید و آنچه از آسمان نازل می‌شود، و آنچه در آن بالا می‌رود می‌داند. و او با شماست هر جا که باشید، و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (۴)

لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ
الْأُمُورُ ﴿٥﴾

مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره
اوست، و همه امور به خدا باز گردانده می‌شود. (۵)

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۚ وَهُوَ عَلِيمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٦﴾

شب را در روز در می آورد و روز را در شب در می آورد، و او
به نیات و اسرار سینه ها داناست. (۶)

آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ ۖ
 فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿۷﴾

به خدا و پیامبرش ایمان آورید، و از اموالی که خدا شما را در آن
 جانشین خود قرار داده، انفاق کنید؛ پس برای کسانی از شما که
 ایمان آورده و انفاق کرده‌اند، پاداش بزرگی خواهد بود. (۷)

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا
 بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۸﴾

و شما را چه شده که به خدا ایمان نمی آورید؟ در حالی که پیامبر، شما را
 دعوت می کند تا به پروردگارتان ایمان آورید، و بی تردید خدا [از طریق عقل
 و فطرت بر ایمان آوردنتان] پیمان گرفته است، اگر باور دارید. (۸)

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ
الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٩﴾

اوست که بر بنده اش آیات روشنی نازل می کند تا شما را از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد. و یقیناً خدا نسبت به شما رؤوف و مهربان است. (۹)

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضِ ۚ لَا يَسْتَوِي ۚ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ ۚ
 أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا ۚ وَكُلًّا
 وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۱۰﴾

و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی کنید؟ در حالی که میراث آسمان ها و زمین مخصوص خداست [و کسی مالک حقیقی چیزی نیست]. کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق کردند و جهاد نمودند [با دیگران] یکسان نیستند، آنان از جهت درجه از کسانی که پس از فتح [مکه] انفاق کردند و جهاد نمودند، بلندپایه ترند. و خدا به هریک وعده نیکو داده است و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۰)

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ
أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١١﴾

کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا خدا آن را برای او دو
چندان کند و او را پاداشی نیکو و باارزش باشد؟ (۱۱)

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
 وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾

[این پاداش نیکو و باارزش در] روزی [است] که مردان و زنان باایمان را می بینی که نورشان پیش رو و از جانب راستشان شتابان حرکت می کند، [به آنان می گویند:] امروز شما را مژده باد به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنها جاودانه اید، این است آن کامیابی بزرگ. (۱۲)

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ
 مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ
 بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ

العَذَابُ ﴿١٣﴾

روزی که مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌گویند: ما را مهلت دهید تا [پرتویی] از نور شما بر گیریم. به آنان گویند: به پشت سرتان [دنیا] برگردید و [از آنجا برای خود] نوری بجوید. سپس میان آنان دیواری زده می‌شود که دارای دری است، درونش [که مؤمنان در آن درآیند] رحمت است و بیرونش که پیش روی منافقان قرار دارد عذاب است. (۱۳)

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ
 وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ
 وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿١٤﴾

مؤمنان را ندا می دهند: آیا ما [در دنیا] با شما نبودیم؟ می گویند: چرا، ولی شما خود را [به سبب نفاق و دشمنی با خدا و رسول] در بلا و هلاکت افکندید و به انتظار [خاموش شدن چراغ اسلام و نابودی پیامبر] نشستید و [نسبت به حقایق] در تردید بودید و آرزوها [ی دور و دراز و بی پایه،] شما را فریفت، تا فرمان خدا [به نابودی شما] در رسید و [شیطان] فریبنده، شما را فریب داد. (۱۴)

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ مَأْوَاكُمُ
النَّارُ ۗ هِيَ مَوْلَاكُمْ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

پس امروز از شما و از کافران فدیة و عوضی [در برابر نجات از عذاب] دریافت نخواهد شد، جایگاهتان آتش است، [و] همان سرپرست و یار شماست و بد بازگشت گاهی است. (۱۵)

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ
 الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ
 الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ ۖ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿١٦﴾

آیا برای اهل ایمان وقت آن نرسیده که دل‌هایشان برای یاد خدا و قرآنی که نازل شده نرم و فروتن شود؟ و مانند کسانی نباشند که پیش از این کتاب آسمانی به آنان داده شده بود، آن گاه روزگار [سرگرمی در امور دنیا و مشغول بودن به آرزوهای دور و دراز] بر آنان طولانی گشت، در نتیجه دل‌هایشان سخت و غیر قابل انعطاف شد، و بسیاری از آنان نافرمان بودند. (۱۶)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ
الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾

بدانید که خدا زمین را پس از مردگی اش زنده می کند. همانا ما
نشانه ها [ی ربوبیت و قدرت خود] را برای شما بیان کردیم تا
بیندیشید. (۱۷)

إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا
يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٨﴾

بی تردید مردان و زنان انفاق کننده و آنان که به خدا وام نیکو
داده‌اند، [وامشان در پیشگاه خدا] برای آنان دو چندان شود، و
برای آنان پاداش باارزشی است. (۱۸)

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ^ط
 وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ^ط وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٩﴾

و کسانی که به خدا و پیامبرش ایمان آوردند، آنانند که صدیقان و گواهان [اعمال] نزد پروردگارشان هستند، [و] برای آنان است پاداش [اعمال] شان و نور [ایمان] شان و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را انکار کردند، آنان اهل دوزخ‌اند. (۱۹)

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي
 الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ط كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرَاهُ
 مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا ط وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ
 وَرِضْوَانٌ ج وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿٢٠﴾

بدانید که زندگی دنیا [یی که دارنده اش از ایمان و عمل تهی است،] فقط بازی و سرگرمی
 و آرایش و فخر فروشیتان به یکدیگر، و افزون خواهی در اموال و اولاد است، [چنین
 دنیایی] مانند بارانی است که محصول [سبز و خوش منظره اش] کشاورزان را به شگفتی
 آورد، سپس پژمرده شود و آن را زرد بینی، سپس ریز ریز و خاشاک شود!! [که برای
 دنیاپرستان بی ایمان] در آخرت عذاب سختی است و [برای مؤمنان که دنیای خود را در راه
 اطاعت حق و خدمت به خلق به کار گرفتند] از سوی خدا آمرزش و خشنودی است، و
 زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست. (۲۰)

سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ
 السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۗ ذَٰلِكَ
 فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢١﴾

سبقت جوئید به آمرزشی از سوی پروردگارتان و بهشتی که پهنایش چون

پهنای آسمان و زمین است، برای کسانی که به خدا و پیامبران ایمان

آورده‌اند، آماده شده است؛ این فضل خداست که آن را به هرکس بخواهد عطا

می‌کند و خدا دارای فضل بزرگ است. (۲۱)

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا
 فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا ۚ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ

يَسِيرٌ ﴿٢٢﴾

هیچ گزند و آسیبی در زمین [چون زلزله، سیل، توفان و قحطی] و در وجود خودتان [چون بیماری، رنج، تعب و از دست رفتن مال و ثروت]، روی نمی‌دهد مگر پیش از آنکه آن را به وجود آوردیم در کتابی [چون لوح محفوظ] ثبت است، بی تردید این [تقدیر حوادث و فرمان قطعی به پدید آمدنش] بر خدا آسان است. (۲۲)

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا
 يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۲۳﴾

تا [با یقین به اینکه هر گزند و آسیبی و هر عطا و منعی فقط به اراده خداست و شما را در آن اختیاری نیست] بر آنچه از دست شما رفت، تأسف نخورید، و بر آنچه به شما عطا کرده است، شادمان و دلخوش نشوید، و خدا هیچ گردنکش خودستارا [که به نعمت‌ها مغرور شده است] دوست ندارد. (۲۳)

الَّذِينَ يَخْلُونِ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ
اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٤﴾

همانان که همواره بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وامی‌دارند، و هر که [از انفاق] روی بگرداند [زیانی به خدا نمی‌رساند]؛ زیرا خدا بی‌نیاز و ستوده است. (۲۴)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ
 لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ
 لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ

عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾

همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی
 تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت بر خیزند، و آهن را که در آن
 برای مردم قوت و نیرویی سخت و سودهایی است، فرود آوردیم و تا خدا مشخص
 بدارد چه کسانی او و پیامبرانش را در غیاب پیامبران یاری می دهند؛ یقیناً خدا
 نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۲۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوءَ
وَالْكِتَابَ^ط فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ^ط وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾

به یقین ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان آن دو نفر،
نبوت و کتاب قرار دادیم، پس برخی از آنان هدایت یافتند و
بسیاری از آنان نافرمان بودند. (۲۶)

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ
 وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا
 كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا
 فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾

سپس به دنبال آنان پیامبران خود را پی در پی آوردیم و پس از آنان عیسی پسر مریم را [به رسالت] فرستادیم و به او انجیل عطا کردیم و در قلب کسانی که از او پیروی می کردند رأفت و رحمت قرار دادیم، و رهبانیتی که از نزد خود ساخته بودند ما بر آنان مقرر نکرده بودیم، ولی [خود آنان آن را] برای طلب خشنودی خدا [بر خود واجب کرده بودند]، اما آنگونه که باید حدود خودساخته را رعایت نکردند؛ پس پاداش کسانی از آنان را که ایمان آورده اند، عطا کردیم و بسیاری از آنان نافرمانند. (۲۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ
 مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ
 وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٨﴾

ای مؤمنان! از خدا پروا کنید و به پیامبرش ایمان آورید تا دو سهم از رحمتش
 را به شما عطا کند، و برای شما نوری قرار دهد که به وسیله آن [در میان مردم]
 راه سپارید و شما را بیامرزد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۸)

لَيْلًا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ إِلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ
 اللَّهِ^۱ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ^ج وَاللَّهُ ذُو
 الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

تا اهل کتاب بدانند [که اگر به پیامبر اسلام ایمان نیاورند] بر چیزی از فضل
 خدا دسترسی نخواهند داشت؛ بی تردید همه فضل به دست خداست، آن را
 به هرکس بخواهد عطا می کند و خدا دارای فضل بزرگ است. (۲۹)